

چون دختره، امکانات و
شرایط مناسب برای تخلیه
انرژی ندارم. چاره چیست؟

راه‌دانا



هووم، بله بله، اگر با چادر و مقنعه نمی‌شود
مثل پسرها توی جوب بزرگ آب سرچهارراه پرید،
ولی وقتی مادر رویش آن‌ور بود، چرا نشود از
دیوار راست اوپن آشپزخونه بالا رفت؟



۲

از شوخی گذشته، چرا برنامه ورزشی ثابت در یک سالن مناسب را پیگیری نمی‌کنی؟ اگر به هر دلیلی این گزینه را نداری، دنبال مقداری خلاقیت یا به قول سهراب سپهری: «سر سوزن ذوقی» بگرد. خلاقیت را که پیدا کردی و به کار گرفتی، کار تمام است. ممکن است بگویی خلاقیت به چه کارم می‌آید؟





خلاقیت برای یافتن راه‌های جدید است؛
راه‌هایی که ممکن است توسط هیچ‌کسی
امتحان نشده باشد. من فقط یک مثال
می‌زنم و ذهن تو کیلوکیلو از این خلاقیت‌ها
دارد که باید استفاده کنی.



اول، هر جوری شده یک گروه از دخترهای پرانرژی دوروبرت را جور کن. شما که نباید به پای دخترهای آرام‌تر بسوزید. وقتی گروه باشید، یا پولدارید که بتوانید ورزشگاه‌ها را فتح کنید، یا سمج! که بتوانید بالاخره فضایی مثل کانون، پایگاه بسیج و حتی یکی از مساجد را برای فعالیت ورزشی‌تان راضی کنید.





زرنگ باشید و اسمش را هم مثلاً بگذارید
کلاس نور و نشاط؛ معمولاً مسئولان
حسینیه‌ها و مساجد از این جور اسم‌ها
خوششان می‌آید. آن وقت مسجدتان شبیه
مسجد نزدیک خانه ما می‌شود. اینجا دخترها
دسته‌جمعی با هم، بعد از ظهر توی صحن
کلاس ورزش دارند، می‌خندند و بازی
می‌کنند، حتی وسطی وسط فرش‌های نماز.



۶

برای کلاس نور و نشاط دنبال مربی هم باشید. شاید حتی توانستید از فک و فامیل دوست‌هایتان، یک مادر که تحصیلات یا تجربه ورزشی دارد هم پیدا کنید. بعد وارد معامله شوید که: «دو تامون بچه‌هاتون رو نگه می‌داریم، به چهار تامون، فوتبال حرفه‌ای یاد بده!!» این طوری بقیه هم برنامه ورزشی و تفریحی شما را جدی‌تر می‌گیرند.



این یک پیشنهاد بود و هزار فکر و ایده دیگر وجود دارد که به سر شماها بیشتر از من می‌رسد؛ مثل قرارهای خانوادگی و دوستانه در پارک‌های مخصوص بانوان یا ...

فقط این سه نکته اساسی را آویزه گوشت کن:
اول، تو نوجوانی و حس نشاط و سرزندگی و نیاز به تحرک اصلاً چیز عجیب‌غریبی نیست.





دوم، نترس! مطمئن باش مثل خودت را
بالاخره، ولو به سختی، یا گذشت چندین
ماه جست و جو، پیدا می کنی؛ بعد گروه
می شوی و خیلی کارها ساده تر خواهد شد.





سوم، می‌گویند ادیسون ۹۹۹ راه را رفت و
به لامپ نرسید، ولی با هزارمی رسید.
ببینم این گرما و انرژی نوجوانی را چطوری
هدایت می‌کنی تا به هدفت برسی ...
می‌توانی ۹۹۹ بار به در بسته بخوری و
با امید ادامه بدهی؟

